



روزنامه جوان | شماره ۷۵۲۳

نگاه

هادی اسماعیلی

اقتصاد از منطق

«لجستیک نظامی» در س بگیرد

اوضاع اقتصادی، حداقل از دهه ۹۰ به این سو که اقتصاد «تقریباً تعطیل» داشتیم، این نکته را یاد آوری می‌کند که نگاه کلاسیک به اقتصاد، پاسخگوی شرایط پیچیده و متغیر کنونی نیست طبعاً تحلیل‌هایی که اقتصاد را صرفاً در قالب شاخص‌های بولی، مالی و بودجه‌ای خلاصه می‌کنند، قادر به تبیین واقعیت‌های جاری نیستند. بنابراین آنچه در میدان عمل تعیین‌کننده‌است، جریان مستمر تأمین، تولید و توزیع است که به‌صورت یک زنجیره بهم‌پیوسته عمل می‌کند. این همان مفهومی است که در حوزه نظامی با عنوان لجستیک شناخته می‌شود و نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یا شکست عملیات ایفا می‌کند. در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران درگیر دفاع مشروع در برابر اقدامات تجاوزکارانه رژیم تروریستی آمریکا و نیروی نیابتی‌اش در منطقه‌ما یعنی رژیم کودک‌کش صهیونیستی است، ضرورت بازتعریف نگاه به اقتصاد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و تجربه نظامی به ما می‌گوید پیروزی در میدان، صرفاً به توان رزمی وابسته نیست، بلکه پایداری در تأمین و پشتیبانی است که نتیجه‌گیری را رقم می‌زند. این منطق، در اقتصاد نیز عینیت می‌یابد و غفلت از آن می‌تواند هزینه‌های سنگینی به‌دنبال داشته باشد. بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند مورد توجه قرار گیرد و ان‌شاءالله نیز مورد توجه مسئولان ذی‌ربط است.

■ **اقتصاد به‌مثابه پشتیبانی مستمر**

لجستیک در ادبیات نظامی، به‌معنای تضمین جریان پایدار منابع، تجهیزات و نیرو در طول عملیات تعریف می‌شود و بدیهی‌است نقش در این جریان، حتی در کوتاه‌ترین زمان، می‌تواند کل ساختار عملیاتی را با مشکل مواجه کند. همین منطق، در اقتصاد نیز وجود دارد، با این تفاوت که ابعاد آن گسترده‌تر و پیچیده‌تر است. اقتصاد ملی، شبکه‌ای از زنجیره‌های تأمین است که از استخراج مواد اولیه آغاز می‌شود و تا مصرف نهایی ادامه می‌یابد. در چنین ساختاری، نفت، گاز، هلیوم و نهاده‌های مانند کودهای شیمیایی، به‌عنوان عناصر پایه‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این منابع، خوراک اصلی بسیاری از صنایع را تأمین می‌کنند و وقفه در دسترسی به آنها، به‌سرعت به کاهش تولید و افزایش هزینه‌ها منجر می‌شود. این وضعیت، در ادامه خود را در بازارها به‌صورت افزایش قیمت و کاهش عرضه نشان می‌دهد و تعادل میان عرضه و تقاضا را برهم می‌زند. چنین وضعیتی را این روزها در اقتصاد جهانی شاهد هستیم که پیرو جنگ‌طلبی «طبقه اسپتین» و پاسخ قاطع ایران اسلامی در مدیریت تنگ راهبردی هرمز، دامن مردم کشورهای مختلف را گرفته است. مسئله اساسی آن است که از چنین روندی برای اقتصاد خودمان درس بگیریم. این مهم از آنجایی اهمیت دارد که سیاست‌گذاری اقتصادی در بسیاری از موارد، پس از بروز مشکل و در سطح پیامدها انجام می‌شود، در حالی که منطق لجستیک ایجاب می‌کند تمرکز بر پیشگیری از اختلال در زنجیره تأمین قرار گیرد. این تغییر رویکرد، نیازمند آن است که نهادهای اقتصادی کشورمان، وضعیت جامعی از مسیر حرکت کلان و خدمات در اختیار طرف‌ها باشند و بتوانند نقاط آسیب‌پذیر را پیش از تبدیل شدن به بحران، شناسایی کنند.

■ **هر مز به‌عنوان گلوگاه راهبردی**

در سطح جهانی، برخی نقاط جغرافیایی نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری زنجیره تأمین ایفا می‌کنند. تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین این گلوگاه‌هاست که بخش قابل توجهی از انرژی و مواد اولیه جهان از آن عبور می‌کند. اهمیت این گذرگاه، صرفاً به حجم انتقال محدود نمی‌شود، بلکه به نقش آن در حفظ تداوم جریان اقتصادی جهانی بازمی‌گردد. در جریان جنگ تحمیلی سوم، مدیریت هوشمندانه مسیر از سوی نیروی دریایی قهرمان کشورمان که رئیس سبکسر رژیم آمریکا در توهماث خود مدعی نابودی آن شده بود، حمله یک چهارم زنجیره تأمین اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داد. این تأثیر، به‌صورت تدریجی در بازارهای جهانی نمایان شد و پیامدهای آن از افزایش هزینه‌های تولید تا اختلال در صنایع مختلف در حال افزایش است. بنابراین این تجربه، نشان می‌دهد که وابستگی اقتصاد جهانی به این مسیر، بسیار فراتر از برآوردهای پیشین است. برای ایران، ما این موقعیت علاوه بر اینکه یک مزیت جغرافیایی است، یک ابزار راهبردی نیز محسوب می‌شود که در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند به تقویت موقعیت اقتصادی کشور منجر شود. در آمدی که از این مسیر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم حاصل می‌شود، در حدود دهها میلیارد دلار برآورد می‌شود. این ظرفیت، زمانی به‌طور کامل محقق خواهد شد که در چارچوب یک نگاه زنجیره‌ای و مبتنی بر منطق لجستیک مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در ک این واقعیت، مستلزم آن است که سیاست‌گذاری اقتصادی از سطح تحلیلی‌های جزئی عبور کند و به سطح راهبردی ارتقا یابد. در این سطح، تنگه هرمز به‌عنوان یکی از حلقه‌های کلیدی زنجیره تأمین جهانی دیده می‌شود که مدیریت آن، می‌تواند بر معادلات اقتصادی و سیاسی اثر گذار باشد.

■ **بازدارندگی اقتصادی در برابر تهدیدات**

مفهوم بازدارندگی، در ذهن بسیاری از تحلیل‌گران با ابزارهای نظامی گره خورده است، در حالی که در شرایط جدید، ابعاد اقتصادی آن اهمیت فزاینده‌ای یافته است. در جهانی که اقتصادها به‌شدت به یکدیگر وابسته هستند، اختلال در زنجیره تأمین، می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر طرف مقابل تحمیل کند. این ویژگی، امکان شکل‌گیری نوعی بازدارندگی اقتصادی را فراهم می‌کند که بر پایه کنترل گلوگاه‌های حیاتی استوار است. برای ایران، تمرکز بر تنگه هرمز می‌تواند یکی از مؤثرترین ابزارهای این نوع بازدارندگی باشد. این رویکرد، به‌معنای استفاده از ظرفیت‌های موجود برای تأمین منافع ملی است و در چارچوب حقوق بین‌الملل نیز قابل دفاع است. کشوری که در معرض تهدید قرار دارد، حق دارد از ابزارهای در اختیار خود برای ایجاد توازن در روابط استفاده کند. در این میان، توجه به پیامدهای داخلی نیز اهمیت دارد. اختلال در زنجیره تأمین جهانی، به‌طور طبیعی بر اقتصاد داخلی اثر اثر گذار است و می‌تواند به کاهش سطح مصرف منجر شود. این کاهش، اگر مدیریت نشود، می‌تواند هزینه‌زا باشد. از این‌رو، سیاست‌گذاری اقتصادی باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های راهبردی، از بروز آثار منفی در داخل کشور جلوگیری شود. آنچه در نهایت اهمیت دارد، تغییر در نوع نگاه به اقتصاد است. اقتصاد باید به‌عنوان یک میدان عملیاتی دیده شود که در آن، پایداری جریان تأمین، تعیین‌کننده موفقیت است. این نگاه، مستلزم آن است که تجربه‌های حوزه نظامی، به‌ویژه در زمینه لجستیک، به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد و در طراحی ساختارهای اقتصادی به کار گرفته شود. چنین رویکردی، می‌تواند به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی منسجم منجر شود که در آن، هر حلقه از زنجیره تأمین، به‌درستی شناخته و مدیریت می‌شود. در این چارچوب، تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین درآی‌های راهبردی کشور، جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند و به ابزاری برای تقویت قدرت اقتصادی و سیاسی ایران تبدیل می‌شود. جهان وارد دوره‌ای جدید شده که در آن، مرز میان اقتصاد و امنیت کمرنگ شده است. در چنین شرایطی، کشورهای موفق خواهند بود که بتوانند این دو حوزه را به‌صورت یکپارچه مدیریت کنند. برای ایران، این یک ضرورت است که تا تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و بهره‌گیری از موقعیت‌های راهبردی، مسیر جدیدی در حکمرانی اقتصادی ترسیم شود.

این مسیر، در ک دقیق زنجیره تأمین آغاز می‌شود و با طراحی نهادهایی که توانایی مدیریت این زنجیره را دارند، ادامه می‌یابد. در این چارچوب، اقتصاد دیگر به‌موقع‌های از اعداد و ارقام نخواهد بود، بلکه به یک نظام بوم و هدفمند تبدیل می‌شود که قادر است در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند و در عین حال، زمینه رشد و توسعه پایدار را فراهم آورد.

گزارش

بهناز قاسمی

گرانی در دفاع مقدس سوم جایی نداشت

مشاهدات میدانی از بازارهای مواد غذایی حاکی از آن است که از اولین روز جنگ تا آخرین روز آن هیچ‌گونه گرانی یا کمبودی در اقلام اساسی دیده نشد



رضا دهشیری | جوان

هر دو سوی درگیری به شدت اقدام به خرید اضطراری کالاهایی نظیر شکر، ماکارونی و کنسرو می‌کردند، به طوری که گزارش‌هایی از درگیری فیزیکی مشتریان بر سر اجناس محدود منتشر شد. دپوی خانگی کالاها، پدیده‌ای جهانی است که پیشتر در بحران‌هایی همچون همه‌گیری کرونا در کشورهای مختلف از جمله امریکا، ژاپن و انگلیس در سال ۲۰۲۰ و نیز بحران مالی لبنان در سال ۲۰۲۱ مشاهده شده بود؛ جایی که مردم برای تهیه اقلام پایه‌ای مانند شیر خشک و آرد با یکدیگر رقابت می‌کردند.

جنگ رمضان که از ۱۴۰۴ تا ۲۰ فروردین

۱۴۰۵ به طول انجامید، نه تنها هیچ‌گونه کمبودی در بازار کالا‌های اساسی مشاهده نشد، بلکه در مواردی مانند میوه جات و محصولات کشاورزی حتی کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت نسبت به روزهای پیش از جنگ و حتی در مواردی نسبت به مدت مشابه سال قبل ثبت شد. حتی در این مدت صادرات برخی محصولات کشاورزی به کشورهای همسایه نیز وجود داشت و صادرات محصولات صیفی که در داخل کشور، تعادل قبعتی داشتند به کشورهای همسایه ادامه داشت. این پدیده در نوع خود برای یک کشور در حال توسعه که با تحریم‌های

گسترده نیز مواجه است، یک دستاورد قابل توجه محسوب می‌شود.

سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای اعلام کرده که میزان جابه‌جایی کالای اساسی در شبکه راه‌های کشور طی بازه یادشده نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۲ درصد افزایش یافته است. این بدان معناست که هرچه بیشتر تأب آردی آن در برابر شوک‌های احتمالی آینده کمک شایانی کند. تجربه جنگ رمضان نشان داد که با تدبیر، هماهنگی و تمرکز بر تأمین کالای اساسی و معیشت مردم، حتی در سخت‌ترین شرایط بحرانی نیز می‌توان بازارها را پایدار و آرام داشت.

گفت‌وگوی «جوان» با علی جعفری آذر، نماینده مجلس شورای اسلامی

سهم مددجویان از منابع وام اشتغال مشخص شود



بخشی از اعتبار مربوط به وام اشتغال در اختیار نهادهای حمایتی قرار می‌گیرد تا به مددجویان در راستای اشتغالزایی اعطا شود. افرادی که تحت پوشش نهادهای حمایتی شامل کمیته‌آمداد امام خمینی (ره) هستند، بنابراین، جمع‌کنشیری از جامعه هدف وام اشتغال در دسترس این نهادهاست. بر همین اساس، افزایش سهم نهادهای حمایتی از وام اشتغال منطقی است و باید سهم مشخصی از وام اشتغال را برای آنان ایجاد کنیم. ■■■

تسهیلات حمایتی همانطور که از نامش مشخص است، با هدف حمایت از مردم در بخش‌های مختلف مصوب می‌شود. انواع تسهیلات شامل وام ادواج، اشتغال، مسکن، فرزندآوری و… در این دسته قرار می‌گیرند. هدف از اعطای تمامی این تسهیلات آن است که متقاضیان بتوانند در حوزه موردنظر با سهولت بیشتری از عهده‌خارج برآیند.

وام اشتغال از جمله مهم‌ترین تسهیلات حمایتی است که با هدف تسهیل دسترسی افراد به درآمد پایدار و توانمندسازی آنان در دستور کار قرار دارد. در قانون بودجه ۱۴۰۵ مبلغ ۱۳۰ هزار میلیارد تومان نظر گرفته شده است. شاید این مبلغ رقم کلانی برای رونق بخشیدن به اقتصاد کشور و اشتغالزایی نباشد، اما با توجه به شرایط کشور، رقم قابل قبولی است.

روفق اقتصادی در کشور به وجود می‌آید. این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: بیکاری ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی است. بر همین اساس، اعطای وام اشتغال به متقاضیان اقدام مهمی در راستای حل مشکلات اقتصادی کشور است. جعفری آذر گفت: بخشی از اعتبار مربوط به وام اشتغال همه ساله در اختیار مددجویان نهادهای حمایتی شامل کمیته امداد و بهزیستی قرار می‌گیرد تا در راستای اشتغالزایی برای مددجویان هزینه نشود. این اقدامات تسهیلات و سیاست‌های فشار جهانی منتقل می‌شود. در چنین شرایطی، عملی‌توان انتظار داشت که جریان انرژی بدون اختلال ادامه یابد.

ایران به‌عنوان یکی از بازگیران اصلی منطقه، همواره بر ضرورت حفظ امنیت و ثبات در خلیج فارس تأکید و بارها اعلام کرده است که امنیت این منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و حضور نیروهای بیگانه نه تنها به ثبات کمک نمی‌کند، بلکه خود عامل تشدید تنش‌ها محسوب می‌شود. تجربه نیز نشان داده است که هر گاه مداخلات خارجی افزایش یافته، سطح ناامنی در مسیرهای حیاتی انرژی نیز بالا رفته است.

بنا بر این، جمع‌کنشیری از جامعه هدف وام اشتغال در دسترس این نهادهاست. بر همین اساس افزایش سهم نهادهای حمایتی از وام اشتغال منطقی است و باید سهم مشخصی از وام اشتغال را برای آنان ایجاد کنیم. این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: توانمندسازی مددجویان باعث می‌شود که مشکلات روحی خانواده‌های مددجو کاهش پیدا کند و بتوانند به درآمد پایداری دسترسی داشته باشند. به این ترتیب، زمینه بی‌نیازی مددجویان از کمک‌های دولتی نیز مهیا می‌شود. این به معنای کمک به اقتصاد کشور است.

جعفری آذر در پایان تأکید کرد: دولت پایدار از روش‌های اشتغال‌تسهیلات به مردم اقدام کند. هر دو این موارد در طرح اشتغالزایی مددجویان برای ایجاد تیروگاه‌های خورشیدی محقق خواهد شد.

روش درستی است و عملکرد خوبی را در این زمینه از نهادهای مورد بحث شاهد بودهایم. وی ادامه داد: در ارتباط با وام اشتغال باید دو ملاحظه اساسی مدنظر باشد. اول اینکه مبالغ در جای درستی به کار انداخته شود و به هدف که اشتغالزایی است، اصابت کند. دومین موضوع این است که بانک‌ها به موقع به اعطای تسهیلات به مردم اقدام کنند. هر دو این موارد در طرح اشتغالزایی مددجویان برای ایجاد تیروگاه‌های خورشیدی محقق خواهد شد.

از منظر حقوق بین‌الملل، اقدامات دفاعی ایران اسلامی در برابر تهدیدات و حملات، در چارچوب حق مشروع دفاع قابل ارزیابی است. این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که فشارها و اقدامات تجاوزکارانه، واکنش‌هایی را به دنبال دارد که در نهایت بر امنیت منطقه‌ای و جهانی اثر گذار خواهد بود. در چنین فضایی، تلاش برای مقصر جلوه دادن ایران، بدون توجه به ریشه‌های اصلی بحران، تحلیلی جهت‌دار به شمار می‌آید. اروپا اکنون در موقعیتی قرار گرفته که ناگزیر باید میان تداوم همراهی با سیاست‌های تنش‌زا یا اتخاذ رویکردی مستقل و مبتنی بر منافع اقتصادی خود، یکی را انتخاب کند. هشدار درباره بحران سوخت هوایپما، نشانه‌ای از هزینه‌هایی است که این قاره در نتیجه بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای پرداخت می‌کند. ادامه این روند می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری برای اقتصاد اروپا به همراه داشته باشد. راهکارهای پیشنهادهی از سوی نهادهای اروپایی، مانند استفاده از ذخایر استراتژیک مصون بماند.

اقتصاد

سرویس اقتصادی۰۶۰۸۸۵۳۳

گفت‌وگو

پیش از آغاز جنگ، بیش از ۱۵ جلسه از کارگروه تضمین امنیت غذا یسی و بهبود معیشت مردم بر گزار شد. تصمیمات اتخاذ شده در این جلسات نقشی کلیدی در حفظ ثبات بازارها در طول جنگ رمضان ایفا کرد

■ **نقش کلیدی کارگروه تضمین امنیت غذایی و معیشت مردم و تدبیر کالابرگ**

یکی از عوامل اصلی این پایداری، تصمیمات اتخاذشده در کارگروه تضمین امنیت غذایی پیش از آغاز جنگ بود. پیش از آغاز جنگ بیش از ۱۵ جلسه از کارگروه تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم برگزار شد. تصمیمات اتخاذ شده در این جلسات نقشی کلیدی در حفظ ثبات بازارها در طول جنگ رمضان ایفا کرد. یکی از مؤثرترین این اقدامات، پرداخت کالابرگ یک میلیون تومانی بود که توان خرید خانوارها را در برابر هر گونه احتمال افزایش قیمت حفظ و از شکل‌گیری انتظارات تومی در جامعه جلوگیری کرد. بانک مرکزی با همکاری سایر بخش‌های دولت، مدیریت بازارها را با تسلط کامل در دست گرفت. توجه ویژه به تأمین آرد مورد نیاز برای واردات کالاهای ضروری و تسهیل فرآیندهای واردات پیش از جنگ، عملاً کشور را برای هر گونه تشدید تنش آماده ساخت. در کنار این موارد، تدابیر مهمی نیز برای حمایت از کسب‌وکارهای صاحبان مشاغل و شبکه‌های اقتصادی در نظر گرفته شد تا چرخ تولید و اشتغال در زمان جنگ دچار لطمه نشود. با توجه به برقراری آتش‌بس دو هفته‌ای، تداوم برگزاری جلسات کارگروه تضمین امنیت غذایی و معیشت مردم می‌تواند به بازیابی شرایط اقتصادی کشور و تقویت هرچه بیشتر تأب آردی آن در برابر شوک‌های احتمالی آینده کمک شایانی کند. تجربه جنگ رمضان نشان داد که با تدبیر، هماهنگی و تمرکز بر تأمین کالای اساسی و معیشت مردم، حتی در سخت‌ترین شرایط بحرانی نیز می‌توان بازارها را پایدار و آرام داشت.